

# مبّغان و

## شکستن سنت‌های غلط

سید محمد موسوی (با فقی)

تشکیل می‌دهد و انحطاط آن نشانه‌ی انحطاط فرهنگ و تمدن آن‌ها محسوب می‌شود. اعراب جاهلی از منحط‌ترین فرهنگ‌ها برخوردار بودند؛ زیرا:

- ۱- بت‌ها را پرستش می‌کردند.<sup>۱</sup>
- ۲- از فرزند دختر متنفر بودند و گاهی، با دست خود او را زنده به گور می‌کردند.<sup>۲</sup>
- ۳- ملانکه را دختران خدا می‌دانستند.<sup>۳</sup>
- ۴- عبادات عجیبی داشتند، مثل: سوت کشیدن و کف زدن نزد خانه‌ی

تبلیغ به معنی (ابلاغ / رسانیدن) است. ارتباط تبلیغ با (رسالات الله / پیام‌های الهی) در کریمه‌ی سی‌ونهم از سوره‌ی احزاب، روشنگر این حقیقت است که آنچه را خداوند به عنوان «وحی» به پیامبران خویش ابلاغ نموده است به مردم برسانند و تعلیم دهند، و با شیوه‌ی «بشارت و انداز»، در دل‌ها نفوذ کنند و آداب و رسوم باطل را از بین آنان برچینند و سعادت دنیوی و اخروی پیروان خود را تضمین نمایند.

عقاید و آداب و رسوم هر قوم و ملت، بخش مهمی از فرهنگ آن‌ها را





خدا، به عنوان نماز.<sup>۴</sup> و طواف خانه‌ی خدا به حالت عریان و لخت مادرزاد.<sup>۵</sup>

۵- احکام و قوانین زشت و بی‌معنا در مورد گوشت‌های حلال و حرام داشتند.<sup>۶</sup>

۶- ازدواج با همسر مطلقه فرزند خوانده و نیز ازدواج با همسر مطلقه‌ی برده‌ی آزاد شده را حرام می‌دانستند.<sup>۷</sup>

شکستن سنت‌های غلطی که مایه‌ی انحراف و عقب ماندگی جوامع بشری است، از اصول کلی دعوت انبیاء علیهم‌السلام بوده است.

خداوند متعال در قرآن مجید<sup>۸</sup>:

ضمن اشاره به مسأله‌ی ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسر مطلقه‌ی پسر خوانده‌ی خود که برای شکستن یک سنت جاهلی صورت گرفت - زیرا آن‌ها پسر خوانده‌ها را پسر حقیقی محسوب می‌کردند - هم بعد از بیان حکم و دستوری که پیامبر اکرم می‌بایست آن را ابلاغ کند، او را تشویق می‌کند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾<sup>۹</sup>

آن‌ها که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا واهمه ندارند و همین بس که

خداوند حسابگر (و پاداش دهنده‌ی اعمال آن‌ها) است. و هم در آیات قبل از آن او را از ترسیدن از مردم باز داشته و متذکر می‌شود که سزاوارتر است از خداوند بترسد و فرمان او را اطاعت کند.

آن جا که می‌گوید:

﴿... وَ تَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشِيَهُ...﴾<sup>۱۰</sup>

(تو [در انجام این مأموریت] از مردم واهمه داری و خداوند سزاوارتر است که از او بترسی).

نتیجه این که تبلیغ دین خداوند و تبدیل سنت‌ها و باورهای غلط به سنت‌های نیکو هم وظیفه است و هم در صورت انجام این وظیفه موجب یاری خداوند است.

حال با توجه به اصل «شکستن سنت‌های غلط و آداب و رسوم باطل» از سوی پیامبران الهی، و تشابه وظیفه‌ی سنگین «تبلیغ دین» که از وظایف مهم روحانیت شیعه و مبلغان اسلامی است، شکستن سنت‌های غلط در جامعه‌ی اسلامی، بر عهده‌ی مبلغان و مروّجان مذهبی است.

بررسی واقعیت‌های موجود، بیانگر وجود بعضی سنت‌های غلط و به دور از قوانین اسلامی در جامعه است.

بنابراین شناسایی این آداب و رسوم باطل، وظیفه‌ی نخست مبلّغان، و بررسی راه‌حل‌های مربوط، و روشن‌گری و هدایت گمراهان، وظیفه‌ی دیگر و سنگین‌تر آنان است.

در اینجا به ذکر تعدادی از این سنت‌ها که بعضی از آنها صددرصد مخالف اسلام است می‌پردازیم:

۱- استفاده از نوارهای موسیقی مبتذل در مراسم عروسی.

۲- سوار کردن عروس بدون حجاب شرعی، در اتومبیل تزئین شده و گردش در سطح شهر، و بوق زدن ممتدو آزار دهنده در نیمه‌های شب.

۳- استفاده از موسیقی‌های مطرب و غیر شرعی توسط رانندگان برون شهری در اتوبوس‌ها و...

۴- فیلم برداری و گرفتن عکس از عروس، با حالت بی‌حجابی توسط افراد نامحرم.

۵- پوشیدن لباس‌های بسیار تنگ و تحریک‌کننده.

۶- انتخاب دوست دختر توسط پسران جوان و دوست پسر از جانب دختران جوان.

۷- برهنه گذاشتن پاهای پوشیدن جوراب‌های بدن نما از سوی بعضی

بانوان.

۸- بیرون گذاشتن موی جلو سر و تزئین آن از جانب بعضی دختران و بانوان.

۹- آراستن غلیظ چهره از سوی بعضی خانم‌ها در منظر نامحرمان.

۱۰- گرایش به مدها و شیوه‌های غربی اصلاح موی سر و پوشیدن لباس و....

۱۱- دیدن فیلم‌های مستهجن و منافی عفت در جمع خانواده‌ها.

۱۲- تراشیدن ریش.

۱۳- ساختن حلقه‌ی طلای مخصوص مردان از سوی بعضی زرگرها.

۱۴- خرید و فروش طلای مخصوص مرد در بازار زرگری.

۱۵- زشت و قبیح شمردن ازدواج موقت.

۱۶- ترک ادای فریضه‌ی نماز از سوی بعضی افراد.

۱۷- ترک فریضه‌ی خمس و زکات و وجوهات شرعی دیگر.

۱۸- ترک روزه از طرف بعضی افراد به بهانه‌های واهی، و....

که همه در جامعه‌ی ما وجود دارد و بعضی از آنها برای افرادی به صورت یک رسم و سنت در آمده است.



بنابراین بر تمامی مبلغان وظیفه شناس است که پیامبر گونه برای شکستن این آداب و رسوم غلط که نوعی گناه و معصیت آشکار است، قیام کنند و با بیان عواقب و مشکلات دنیوی و اخروی آن، راهی را برای هدایت و راهنمایی افراد مبتلا، نشان دهند. باشد که با تبلیغ، و روشنگری دلسوزانه، این سنت‌های باطل از جامعه‌ی اسلامی ما برچیده شود.

### مبلغان حقیقی:

اکنون به چند نمونه از شیوه‌های عملی مبلغان حقیقی، که با سنت‌های غلط، برخورد صحیح و اسلامی نموده‌اند، اشاره می‌کنیم تا روش برخورد آنان با گناهان و معاصی رایج جامعه، الگو و سرمشقی برای دیگر مبلغان دینی باشد:

**الف - امام خمینی ره و برخورد با به دست کردن حلقه‌ی طلا از سوی مردان:**  
حضرت امام ره بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران شخصیتی علمی، دینی و مذهبی بود که با نهایت دقت حدود و ثغور اسلام و احکام حیاتبخش آن را رعایت می‌کرد و با متخلفان از این

مرزها، بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای برخورد و مقابله می‌نمود.

امام ره در برابر ارتکاب محرمات، شجاعانه «نهی از منکر» می‌کرد و سنت‌های غلطی را که در بین بعضی از مردم با چشم خود می‌دید، می‌شکست. از امام ره برای شروع بنای یک ساختمان مذهبی دعوت به عمل آمده بود که با دست با برکت ایشان مراسم به زمین زدن کلنگ شروع عملیات ساختمانی آن صورت بگیرد.

امام ره این دعوت را پذیرفته و در مراسم شرکت می‌کنند. بعد از انجام مراسم در حالی که مردم دایره وار همچون هاله اطراف ایشان ایستاده بودند، ناگهان امام ره به طرف جمعیت حرکت می‌کنند و به یک جوان که یک حلقه‌ی طلا به انگشت خود کرده بود نزدیک می‌شوند و می‌فرمایند:

«استفاده‌ی طلا برای مرد مسلمان حرام است و ما مسلمانان باید پایبند به احکام دینی باشیم» و این چنین حضرت امام ره آن جوان را از یک عمل حرام که به صورت یک رسم و سنت در بین بعضی جوانان در آمده، نهی کرده و بر حذر می‌دارند.

ب - آیه الله شهید سعیدی رحمته و شرکت بدون دعوت در مجلس عروسی:

حضرت آیه الله سعیدی رحمته، از روحانیان پر شور و از مبلغان راستین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بود. وی تمام همت خود را مصروف تبیین احکام و معارف اسلامی و شکستن سنت‌های غلط عصر ستم شاهی پهلوی نمود و در حمایت از رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیه الله العظمی خمینی «قدس الله نفسه الزکیه»، لحظه‌ای دریغ ننمود. و سرانجام در این راه، گوهر بی بدیل وجود خویش؛ یعنی، جانش را فدای اسلام و قرآن نمود و به دست مزدوران رژیم سفاک پهلوی به درجه‌ی رفیع شهادت رسید.

شهید آیه الله سعیدی رحمته همیشه در صدد رفع معاصی و گناهان، از جامعه بود و در همه حال آماده‌ی شکستن سنت‌های غلط رایج در جامعه.

در یکی از منازل نزدیک خانه‌ی ایشان، مراسم عروسی برگزار می‌شود و از بعضی همسایه‌ها و افراد دیگر، جهت شرکت در این جشن دعوت به عمل می‌آید. شهید آیه الله سعیدی رحمته به یکی از دوستان خود می‌گوید: در امشب ما هم در این مراسم عروسی شرکت

می‌کنیم.» وی به ایشان می‌گوید: «برای ما دعوت نامه نفرستاده‌اند، مگر شما را به این جشن دعوت کرده‌اند؟» وی می‌گوید: «خیر»، دوست آیه الله سعیدی می‌گوید: «بدون دعوت نامه نباید در این مجلس شرکت کنیم.» وی در جواب می‌گوید: «هرچند ما برای شرکت در این مراسم دعوت نشده‌ایم، ولی حضور ما در این جشن سبب می‌شود، گردانندگان آن از رو آوردن به سنت غلط استفاده از ساز و آواز و پرداختن به لهو و لعب خودداری نمایند. و اگر شرکت ما روحانیان و طلاب با لباس مقدس روحانیت در مراسم عروسی موجب ترک شدن بعضی گناهان است، با حضور در این مراسم به وظیفه‌ی شرعی خویش عمل نموده‌ایم که همان «نهی از منکر» است.»

ج - آیه الله شهید حاج شیخ محمدتقی بافقی رحمته و تحمل ضرب و شتم در برابر «نهی از منکر»:

روزی حضرت آیه الله بافقی جهت استحمام به حمام عمومی تشریف می‌برد. البته هر فرد با ورود به محوطه‌ی اصلی حمام، شخصیت ظاهری که با لباس شناخته می‌شود، نامعلوم خواهد



بود. در آن جا بین ثروتمند و فقیر، شاه و گدا، فرقی نیست و همه یکسان و مانند هم می‌باشند. وقتی آیه‌الله بافتی به داخل حمام وارد می‌شود، ناگهان با صحنه‌ای رو به رو می‌شود که باید به وظیفه‌ی خویش؛ یعنی، «نهی از منکر» عمل نماید. می‌بیند فردی در برابر آینه مشغول تراشیدن ریش خود هست. به او نزدیک می‌شود و برای ادای تکلیف دینی خود و شکستن این سنت غلط که مورد تحریم مراجع بزرگوار است، به وی تذکر می‌دهد که: آقا این عملی که شما انجام می‌دهید؛ یعنی، تراشیدن ریش، حرام است و آن را ترک کن. آن شخص که یکی از سرهنگ‌های بلند پایه‌ی ارتش رضا شاه خائن بود، وقتی در برابر نصایح خیرخواهانه آن آسوه‌ی تقوی و پرهیزگاری واقع می‌شود، غضبناک شده و بی‌درنگ سیلی محکمی به صورت آن عالم وارسته می‌نوازد.

آیه‌الله بافتی با مواجه شدن با چنین عکس‌العملی، طرف دیگر صورت خویش را به سوی آن شخص می‌گیرد و می‌فرماید: «به این طرف صورتم نیز سیلی دیگری بزن و از این کار حرام دست بردار!»

آن شخص مغرور وقتی با این همه

بزرگواری و سعه‌ی صدر آیه‌الله بافتی رو به رو می‌شود، از دلاک حَمَام که آیه‌الله بافتی را می‌شناخت، سؤال می‌کند این آقای بزرگوار کیست؟ و او جواب می‌دهد ایشان حضرت آیه‌الله حاج شیخ محمدتقی بافتی می‌باشند. وقتی سرهنگ ارتش رضاشاهی، آن عالم جلیل‌القدر را می‌شناسد، خدمت ایشان شرفیاب می‌شود و با نهایت پشیمانی، عذرخواهی و طلب عفو و بخش می‌کند و به ایشان قول می‌دهد که از آن زمان به بعد دست از عمل «ریش‌تراشی» بردارد و تا پایان عمر مرحوم آیه‌الله بافتی از نزدیکان و مریدان ایشان محسوب می‌گردد.<sup>۱۱</sup>

«اللَّهُمَّ وَفَقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى»

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مائده/ ۷۶.
- ۲- نحل/ ۵۸ و ۵۹.
- ۳- زخرف/ ۱۹.
- ۴- انفال/ ۳۵.
- ۵- مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۸۰۳.
- ۶- انعام/ ۱۳۸ و ۱۳۹.
- ۷- احزاب/ ۳۷.
- ۸- همان/ ۳۸.
- ۹- همان/ ۳۹.
- ۱۰- همان/ ۳۷.
- ۱۱- مجاهد شهید آیه‌الله حاج شیخ محمدتقی بافتی، ص ۸۳.